

آسیب‌شناسی سیاسی - امنیتی استان کردستان از منظر نهادگرایی جدید

خلیل اله سردارنیا^{*۱}

مهران شرفی صدرآبادی^۲

عطا دانشور^۳

چکیده

۱۰۹ قومیت‌گرایی در تحولات سیاسی و اجتماعی سده ۲۱ میلادی نقش بسیار قابل توجهی داشته و خواهد داشت، این نقش آفرینی در کشورهای توسعه نیافته که دولت‌هایی با نظم‌های دسترسی باز یا فراگیر محسوب نمی‌شوند، برجسته‌تر است. هدف از این پژوهش، ارتباط تحلیلی بین آسیب‌پذیری‌های امنیتی - سیاسی این استان کردستان با نظم دسترسی محدود ایران و ارائه راهکارهایی در چارچوب نهادگرایی برای حفظ و افزایش امنیت در این استان است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد روشی - نظری نهادگرایی با تأکید بر نظم دسترسی محدود به دنبال پاسخ به این پرسش است که از منظر تئوری نهادگرایی جدید، چه ارتباطی میان نظم دسترسی محدود ایران با آسیب‌پذیری‌های امنیتی و سیاسی استان کردستان وجود دارد؟ یافته‌های مقاله حاکی از آن است که نظم دسترسی محدود ایران با تأثیرگذاری منفی بر شاخص‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجب آسیب‌پذیری‌های امنیتی و سیاسی می‌شود و عدم توجه به بهبود و ارتقای این شاخص‌ها می‌تواند سبب چالش‌های امنیتی در این استان شود.

واژگان کلیدی: استان کردستان، آسیب‌پذیری‌های امنیتی و سیاسی، نهادگرایی جدید، نظم‌های دسترسی محدود

۱. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)

* kh_sardarnia@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شیراز

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی چهل و هشت، صص ۱۳۹-۱۰۹

چگونگی ارتباط دولت و سازمان‌ها با اجتماعات چندپاره قومیتی و نحوه پاسخگویی آن‌ها به مطالبات اقوام در سطوح گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در تحلیل وقوع یا عدم وقوع بی‌نظمی و خشونت‌های متعدد سیاسی و امنیتی دارای اهمیت است. روی آوردن گروه‌های قومی به روش‌های خشونت‌آمیز و رادیکالیسم رفتاری در شرایطی رخ می‌دهد که میزان پاسخگویی حکومت‌ها و نهادهای حکومتی به درخواست‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخی گروه‌های قومی بسیار کمتر باشد. زمانی که نابرابری بین گروه‌بندی‌های اجتماعی بالا باشد و فرصت‌ها و راهکارهای قانونی برای بیان اعتراضات و پیشبرد مطالبات نباشد، افراد به نهادها، نحوه حکمرانی، ساختارها و مقررات بی‌اعتماد می‌شوند و امکان روی آوردن به اعتراضات غیر قانونی، غیرنهادمند و خشونت‌آمیز بالا می‌رود. ضعف حکمرانی، عدم پاسخگویی و ضعف عملکرد نهادی و تحمیل تبعیض‌ها در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به قومیت‌ها و محروم‌سازی بخش بزرگی از جمعیت قومی به خشونت قومی در اقصی نقاط جهان انجامیده است. سیاست‌های ناعادلانه توزیعی و توزیع نابرابر قدرت سیاسی، انگیزش نیرومندی برای تنش‌های قومی در جهان ایجاد کرده است. در جوامع در حال توسعه، گسترش فزاینده آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی اقشار و قومیت‌ها نسبت به ضعف و ناکارآمدی نهادی و حکمرانی از یکسو و توزیع نابرابر منابع، تسهیلات، ثروت و امکانات از سوی دیگر منجر به رفتارهای خشونت‌آمیز گروهی و جمعی توسط گروه‌بندی‌های اجتماعی، قومی، زبانی و مذهبی می‌گردد.

در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خاطر مسائل سیاسی ناشی از توزیع قدرت، نقش‌آفرینی گروه‌های سیاسی، دخالت قدرت‌های خارجی و خلأ قدرت ناشی از مشکلات تثبیت قدرت سیاسی، ایران در زمینه‌های سیاسی و امنیتی با بی‌ثباتی‌هایی مواجه شد اما در نهایت با تثبیت حکومت، نهادسازی و اقدامات وثیق آن از یکطرف و آشکار شدن دخالت و نقش‌آفرینی قدرت‌ها و گروه‌های سیاسی خارجی از طرف دیگر، این بی‌ثباتی‌ها با عدم حمایت از سوی بدنه اجتماعی تعدیل شد. در چند دهه اخیر، استان کردستان از نظر برخی از شاخص‌های نهادی پیشرفت‌هایی داشته است.

با این وجود، با رویکردی واقع‌بینانه باید گفت که بطور کل در ارتباط با شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، این استان همچنان با نقطه مطلوب فاصله نسبتاً جدی دارد و مردم این منطقه و کردها به واسطه احساس تبعیض در برخی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و مقایسه خود با استان‌های همجوار مانند آذربایجان غربی و همدان ناخشنود هستند.

با توجه به مواردی که در بالا گفته شد این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که از منظر نظریه نهادگرایی چه ارتباطی میان نظم دسترسی محدود ایران با آسیب‌پذیری‌های امنیتی و سیاسی استان کردستان وجود دارد؟ فرضیه مقاله این است که نظم دسترسی محدود ایران در چارچوب نهادگرایی سبب عدم توجه کافی به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی استان کردستان و تشدید نگاه امنیتی و سیاسی به آن شده است و این امر در آینده برای امنیت استان و امنیت ملی خطرناک است.

۱. پیشینه تحقیق

مالشویچ (۱۳۹۰) در کتاب جامعه‌شناسی قومیت به بررسی ژرف‌نگارانه در مورد تحول مفهوم قومیت در عصر قدیم یونان و روم تا زمان پاک‌سازی‌های قومی و تهاجم‌های تروریستی حال حاضر می‌پردازد. نویسنده به نقل از آنتونی اسمیت بیان می‌کند که رویکرد فرهنگی با محوریت گروه‌بندی‌های متمایز قومی و مذهبی، رویکردی ضعیف برای تبیین تنش‌های قومی و بی‌ثباتی سیاسی است. رویکرد و عوامل فرهنگی در بروز تنش‌ها شرط لازم هستند ولی شرط کافی خیر. لذا بروز روابط و تعارضات قومی نیازمند تحلیل ساختاری نهادی و سیاسی است.

در صورتی که فرایند توسعه از همگنی و تعادل خارج شود و جنبه تبعیض‌آمیز و غیر عادلانه به خود بگیرد، بروز اعتراضات قومی علیه ساختار حکومت و نهادها امکان‌پذیر خواهد بود. توسعه نامتوازن و تبعیض‌آمیز که سبب برتری برخی گروه‌بندی‌های قومی بر دیگر گروه‌بندی‌ها شود منجر به جامعه واگرا و ناهمگرا و تضعیف شدید احساسات و تعلقات مشترک ملی می‌گردد. پایک و همکاران در کتاب توسعه منطقه‌ای و محلی (۲۰۰۶) ضمن تأکید بر تفاوت‌های رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا در توسعه منطقه‌ای و محلی در بخش دیگری از کتاب به رویکرد نهادی پرداخته‌اند و بر این باورند

که نهادها به‌عنوان عوامل کاهش عدم قطعیت و کاهش ریسک عمل می‌کنند. رودریگوئز-پوزه (۲۰۰۹) در کتاب آیا نهادها برای توسعه منطقه‌ای اهمیت دارند به بررسی و اهمیت نهادها برای توسعه منطقه‌ای و چگونگی ترکیب و ادغام بعد نهادی در استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای می‌پردازد. نتیجه کتاب حاکی از آن است که نهادهای محلی جهت توسعه منطقه‌ای دارای نقش ضروری هستند. نویسنده معتقد است که راهبردهای توسعه‌ای که با فضاهای نهادی منطقه‌ای در ارتباط هستند نتایج بهتر و اطمینان‌بخش‌تری را به وجود خواهند آورد.

مراد کاویانی (۱۳۸۹)، در کتاب ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی به تحلیل جایگاه اقوام ایران پرداخته است. نویسنده در بخشی از کتاب به بررسی موقعیت استان‌های کردنشین کشور از لحاظ تاریخی و ژئوپلیتیکی اشاره کرده و بر این باور است که حکومت مرکزی باید این مناطق را از لحاظ فرهنگی و اقتصادی به سطح میانه یا بالاتر برساند و به‌ویژه مشارکت سیاسی کردهای اهل سنت را در گستره مدیریتی ارتقا دهد تا باعث تقویت همبستگی ملی گردد. گیوردانو (۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان ظرفیت و توانایی نهادی، خرده‌فرهنگ سیاسی و تجدید حیات منطقه‌گرایی در ایتالیا به ظرفیت و توانایی نهادی در توسعه منطقه‌ای درون اتحادیه اروپا اشاره می‌کند. نتایج حاصل از پژوهش بیان‌گر آن است که وجود ظرفیت نهادی بالا از دلایل عمده و اساسی است که در نتیجه وجود آن، منطقه Northern League در ایتالیا توانسته است به‌عنوان منطقه‌ای مهم در میان مناطق پویا و توسعه‌یافته اروپا ظهور یابد. رحمت بهرامی پاوه (۱۳۹۷) در مقاله تحلیلی بر روند پارادایم توسعه‌یافتگی و تأثیر آن بر همگرایی ملی در ایران به تبیین رابطه توسعه‌یافتگی و همگرایی ملی در فضای جغرافیایی ایران بر اساس برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی کشور در چند سال اخیر می‌پردازد.

نتایج نشان‌دهنده آن است که شکاف توسعه در ایران در چند دهه اخیر رو به افزایش بوده است و همچنین ارتباط مستقیمی بین توسعه‌یافتگی و تفاوت فرهنگی در ایران وجود دارد. آنچه همگرایی ملی را تحکیم می‌بخشد رویکرد سیستمی به توسعه است که استفاده از توان‌های محیطی با اعتلای اقتصاد ملی و مشارکت اقوام میسر می‌شود. هر کدام از کتاب‌ها و مقالات فوق در راستای توسعه و امنیت جنبه‌ای را مدنظر قرار

می‌دهند که در این مقاله نیز مورد بررسی قرار گرفته است. برای مثال برخی از پژوهش‌ها به اهمیت نهادها در مقوله امنیت و توسعه می‌پردازند و برخی دیگر به مقوله قومیت‌ها و شاخص‌های حکمرانی خوب. ولی پژوهشی که به آسیب‌شناسی سیاسی و امنیتی استان کردستان در پرتو نهادگرایی جدید و با تکیه بر نظم دسترسی محدود پرداخته باشد مشاهده نگردید.

۲. چارچوب نظری: نظریه نهادگرایی جدید با تاکید بر نظم دسترسی محدود

نهادگرایی جدید، رویکرد روش‌شناختی در مطالعه علوم سیاسی، اقتصاد، رفتار سازمانی و جامعه‌شناسی در ایالات متحده امریکا است که به چگونگی محدود کردن ساختارها، قواعد، هنجارها و فرهنگ‌ها در نهادها و اقدامات افراد به عنوان بخشی از یک نهاد سیاسی می‌پردازد. ویژگی‌های اصلی‌ای را که نظریه نهادگرایی جدید را تحدید می‌کند، می‌توان در چند مورد بر شمرد: رهیافت «نهادگرایی جدید»، «نهاد» را به عنوان کیفیت، حالت و ویژگی خاص الگوهای اجتماعی در نظر می‌گیرند (Jespersen, 1991: 14) و به عنوان الگوهای «فراسازمانی» شناخته می‌شوند (Friedland and Alford, 1991: 24) و بر فرایند بودن نهاد و نهادینه شدن تاکید دارد (Zucker, 1991: 10). نهادگرایی جدید سیاسی، توجه به شیوه‌ای که قواعد و رویه‌ها و معیارها و هنجارهای نهادینه شده بر رفتار تأثیر می‌گذارند و تاکید بر اینکه عمل سیاسی را نمی‌توان نتیجه رفتار اشخاص محاسبه گر دانست، لازم و ضروری است (March and Olsen, 2005: 7). نهادگرایی جدید تاکید دارد که برای درک فعالیت‌های اقتصادی هر گروه انسانی، آزمون تجربی و نظریان فرایند اجتماعی‌ای که از طریق این تغییرات رخ می‌دهد، ضرورت دارد (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۵). این مکتب حوزه ارزیابی‌های خود را از مفاهیم مرسوم اقتصادی جدا کرده و فراتر از آن مفاهیم به مقوله‌های دیگری نیز توجه می‌کند. از جمله این مقوله‌ها می‌توان به دولت‌ها، مقررات و ایدئولوژی اشاره نمود (رضانی باصری و میرفردی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). یکی از کار ویژه نهادها در هر حکومتی کنترل و مدیریت خشم جامعه می‌باشد. همان‌گونه که داگلاس نورث معتقد است، روش رویارویی با خشونت در بطن نهادها و سازمان‌ها است و این‌ها مفاهیمی هستند که بایستی شفاف شوند. نهادها قاعده و قانون بازی محسوب شده و به‌مثابه الگوهای تعاملی هستند که روابط بین

انسان‌ها را مقید می‌سازند (North, 1990: 4). نهادها قاعده‌هایی ایجاد می‌کنند که کنشگران را از به‌کارگیری خشونت منع می‌کند. به شکل واضح و صریح، اینکه، نهادها عواقبی برای به‌کارگیری خشونت لحاظ می‌کنند و هزینه ان را بالا می‌برند. تد رابرت‌گر در این باره معتقد است روی آوردن گروه‌های قومی به روش‌های خشونت‌آمیز و رادیکالیسم رفتاری در شرایطی رخ می‌دهد که میزان پاسخگویی حکومت‌ها و نهادهای حکومتی و منطقه‌ای- محلی به درخواست‌های اجتماعی و اقتصادی برخی گروه‌های قومی بسیار کمتر باشد (Yalcin, 1999: 136-7). ضعف حکمرانی، ناپاسخگویی و ضعف عملکرد نهادی و تحمیل تبعیض‌ها در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به قومیت‌ها و محروم‌سازی بخش بزرگی از جمعیت قومی، به تروریسم و خشونت قومی در اقصی نقاط جهان انجامیده است. سیاست‌های ناعادلانه توزیعی و نیز توزیع نابرابر قدرت سیاسی، انگیزش‌های نیرومندی برای جدایی‌طلبی و تنش‌های قومی در جهان بوده‌اند (Wimmer & Cederman: 2009: 316-318). نورث و همکاران (۱۳۸۵) با طرح مفهوم «نظم دسترسی باز» و «نظم دسترسی محدود» نحوه رابطه سیاسی و اقتصادی جوامع و چگونگی عملکرد اقتصادی متفاوت جوامع را توضیح می‌دهند. نظم دسترسی محدود نظمی است که دولت با محدود کردن ورود رقبا، رانت‌هایی ایجاد می‌کند تا ثبات و نظم اجتماعی فراهم شود. افرادی که رانت دریافت می‌کنند در جهت حفظ رانت از حکومت فعلی حمایت می‌کنند. نورث دولت در نظم دسترسی محدود را «دولت طبیعی» می‌نامد. دولت طبیعی پیامد گرایش به کنترل خشونت و افزایش تخصص و مبادله است. در دولت طبیعی خشونت کاهش می‌یابد اما از بین نمی‌رود. در نظام با دسترسی محدود تشکیل سازمان‌هایی که به غیر نخبگان کمک می‌کند تا در برابر دولت هماهنگ شوند از سوی دولت محدود می‌شود. همچنین کنترل غیر نخبگان از سوی دولت برای مقاصد رانت جویانه، سد راه گسترش فعالیت‌های غیر نخبگان می‌شود. در دولت طبیعی حقوق مالکیت فقط برای نخبگان حاکم به رسمیت شناخته می‌شود (نورث و همکاران، ۱۳۸۵).

در نظام دسترسی محدود راه ورود عموم به قدرت سیاسی و فعالیت اقتصادی بسته است و مزایا در اختیار نخبگان خاص قرار دارد. اما در نظم دسترسی آزاد، دولت به جای خلق

رانت، از طریق رقابت سیاسی و اقتصادی نظم اجتماعی را حفظ می‌کند. نهادهای سیاسی و اقتصادی امکان فعالیت آزاد را برای همه احاد جامعه فراهم می‌کنند. در نظم دسترسی آزاد، هر سازمانی با هر هدف اولیه‌ای که داشته باشد به راحتی می‌تواند با قوانین و مقررات انطباق یابد تا به منافع اعضای خود خدمت کند. رقابت سیاسی باعث تقویت رقابت اقتصادی و رقابت اقتصادی باعث تقویت رقابت سیاسی می‌شود؛ زیرا نهادهای سیاسی محصول تکثیر گرایی در توزیع قدرت سیاسی‌اند و همین امر متضمن حقوق مالکیت برای احاد جامعه است (نورث و همکاران، ۱۳۸۵). در ادامه وضعیت شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی استان کردستان در چارچوب نهادگرایی جدید و نظم دسترسی محدود مورد بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت راهکارهایی برای خروج از وضعیت نامطلوب فعلی ارائه می‌گردد.

۳. وضعیت شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی استان کردستان

الف) حاشیه نشینی

در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۹۶، وزارت راه و شهرسازی ایران تعداد حاشیه‌نشینان در ایران را ۱۹ میلیون نفر اعلام کردند؛ یعنی از هر چهار نفر ایرانی یک نفر در سکونت‌گاه غیررسمی سکونت دارند و حاشیه‌نشین هستند (سلامت نیوز، ۱۳۹۷). استان کردستان نیز به‌عنوان یکی از استان‌های کشور از این قاعده مستثنا نبوده و در چند دهه اخیر با پدیده حاشیه‌نشینی مواجه بوده است. در شهر سنندج در استان کردستان، وضعیت حاشیه‌نشینی در وضعیتی بیمارگونه قرار دارد. مناطق حاشیه‌نشین سنندج، نیمی از جمعیت شهری یعنی ۵۴ درصد از جمعیت این شهر را در خود جای داده است. اکنون در ۱۳ محله شهرستان سنندج در مساحتی بالغ بر ۱۶۱ هکتار سکونتگاه‌های غیررسمی وجود دارد و به نظر می‌رسد که موج دوم حاشیه‌نشینی در ۴ سکونتگاه غیرمجاز روستاهای حاشیه شهر سنندج در حال ایجاد است که این مناطق شامل نایسر با ۴۰ هزار نفر جمعیت، حسن‌آباد با ۱۵ هزار نفر جمعیت، نله با ۱۰ هزار جمعیت و گریزه با ۵۰۰۰ نفر جمعیت که جزء روستاهای شهر شده، دارای سکونتگاه‌های غیررسمی یا همان بافت فرسوده در سنندج به شمار می‌رود (احمدی و آقایی، ۱۳۹۶: ۵). بنا بر آخرین آمارها تا شهریور سال ۱۳۹۸، هم‌اکنون ۳۰ درصد جمعیت شهری کشور شامل

۱۹ میلیون نفر از ۵۶ میلیون نفر جمعیت شهری در مناطق و محلاتی با بافت فرسوده، تاریخی و ناکارآمد زندگی می‌کنند و این میزان در استان کردستان حدود ۵۰ درصد از جمعیت یک‌میلیون و ۶۰۰ هزارنفری است. در استان کردستان می‌توان از سندج و مریوان به‌عنوان ۲ شهری که بیشترین میزان حاشیه‌نشینی را دارند، نام برد اگرچه در دیگر شهرهای استان هم این پدیده در حال افزایش است (ایرنا، ۱۳۹۹). آمار بالای بیکاری در این استان و وجود بخش‌های ضعیف کشاورزی و صنعت باعث رشد مهاجرت افراد از مناطق روستایی استان به‌سوی مناطق شهری شده، که بیشتر این افراد پس از ورود به شهر در فعالیت‌های غیررسمی جذب شده و باعث گسترش پدیده حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها می‌شوند. این‌ها همه فراهم آورنده زمینه‌هایی هستند که می‌تواند به گسترش بی‌رویه اشتغال در بخش غیررسمی استان منجر شوند.

ب) حوزه بهداشت و سلامت

یکی از ابعاد مهم توسعه جوامع، توسعه سلامت و به عبارتی میزان و کیفیت دسترسی افراد جامعه به خدمات بهداشتی و درمانی است (بهرامی، ۱۳۹۴: ۳۹). در توسعه منطقه‌ای و فضایی یکی از عوامل مهم که مد نظر می‌باشد توسعه بهداشتی و درمانی به صورت متعادل در همه سطوح فضایی است. در واقع علیرغم پیشرفت‌های اقتصادی و دست آوردهای بزرگ محققان در زمینه بهداشت و درمان که در قرن گذشته دست یافته‌اند؛ ما شاهد شکاف و نابرابری در میزان توسعه یافتگی بهداشت و درمان در بین مناطق و کشورها و عدم تعادل و نابرابری در میزان توسعه امکانات بهداشتی و درمانی می‌باشیم (Kawachi et al, 2002: 48). استان کردستان به‌واسطه هم‌مرزی با کشور عراق می‌تواند به شهروندان آن کشور نیز خدمات درمانی ارائه نماید و به یکی از قطب‌های توریسم درمانی کشور تبدیل شود. علی‌رغم این مزیت‌ها و پتانسیل‌ها، درون استان، شاهد وجود فاصله عمیقی در مؤلفه‌هایی نظیر دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی در بین شهرستان‌ها هستیم. شهرستان‌های استان کردستان را از لحاظ دارا بودن از امکانات بهداشتی می‌توان به سه دسته برخوردار (سنندج و سقز)، نیمه برخوردار (قروه، بیجار، مریوان و بانه) و محروم (دهگلان، سروآباد و دیواندره) رتبه‌بندی کرد. ۳۶ درصد از جمعیت استان، محروم از خدمات بهداشتی مناسب هستند. تفاوت ضریب

توسعه‌یافتگی درزمینه بهداشت و درمان بین شهر اول استان (سنندج) و شهر دوم (سقز) در بخش شاخص‌های فنی و اجرایی معادل ۳۹ درصد، در بخش شاخص‌های نهادی بیش از ۶۰ درصد و در بخش نیروهای متخصص نابرابری‌ها به اوج می‌رسد که بیش از ۷۵ درصد است، این یعنی سطحی از توسعه‌یافتگی در مرکز استان وجود دارد و مابقی شهرستان‌های استان تفاوت فاحشی با مرکز استان دارند. شهرستان‌های دهگلان و سروآباد و دیواندره محروم‌ترین شهرستان‌های استان هستند. این امر به نظر می‌رسد ناشی از جمعیت روستایی زیاد این شهرستان‌ها (سروآباد ۹۰ درصد، دیواندره ۶۵ درصد، دهگلان ۵۸ / ۲ درصد) باشد (بهرامی، ۱۳۹۴: ۳۹-۴۹). استان کردستان در برهه‌های زمانی مختلف جزو نامطلوب‌ترین استان‌های کشور از منظر شاخص امید به زندگی بوده است که در جدول زیر می‌توان این موضوع را به وضوح مشاهده کرد:

نامطلوب‌ترین شاخص امید به زندگی

سال ۱۳۹۵		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۸۵	
مقدار	استان	مقدار	استان	مقدار	استان
۰/۷۰۷	سیستان و بلوچستان	۰/۷۲۲	سیستان و بلوچستان	۰/۷۰۱	سیستان و بلوچستان
۰/۷۷۰	ایلام، خراسان شمالی	۰/۷۴۰	کردستان	۰/۷۲۰	کردستان
۰/۷۷۶	لرستان	۰/۷۶۳	هرمزگان	۰/۷۲۵	خراسان جنوبی

(پورلاهیجی و شمسی، ۱۳۹۸: ۳۸)

ج) سواد، آموزش و توسعه انسانی

بر مبنای با توجه به اینکه نهاد آموزش و پرورش نقش اصلی و اساسی در سرنوشت جوامع بشری ایفا می‌کند و بر تمام زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی اثر می‌گذارد می‌تواند باعث رشد و توسعه هر جامعه‌ای بشود. جامعه‌ای که هدف اساسی خود را توسعه اجتماعی قرار دهد به امر آموزش و همچنین سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی توجه خاصی می‌کند پیمایش‌های مختلفی در سطح استان کردستان حاکی از وجود چشم‌گیر بی‌سوادان است. به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۲ طبق سالنامه آماری آموزشی استان از مجموع ۱۳۴۶۶۸۰ نفر، تعداد ۱۰۵۰۰۱۵ نفر باسواد بوده‌اند (سالنامه آماری استان

کردستان، ۱۳۹۲: فصل ۱۶) که این خود بدین معناست نزدیک به ۳۲ درصد از ساکنان استان طبق همین منبع گفته شده حتی توانایی خواندن و نوشتن یک متن ساده را هم ندارند. همچنین طبق آخرین نتیجه از خبرگزاری معتبر ایسنا که متعلق به ۲۶ تیر ۱۳۹۴ است استان کردستان در کشور دارای رتبه ۲ بی‌سواد بعد از سیستان و بلوچستان است (ایسنا، ۱۳۹۵). بر طبق گفته‌های معاون سوادآموزی آموزش و پرورش کردستان در سرشماری سال ۹۰، تعداد بی‌سوادان کشور ۱۴/۵ درصد بوده است که ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از آن‌ها بی‌سواد مطلق و ۱۱ میلیون نیز کم‌سواد بوده‌اند و همچنین در سال ۹۰ در مجموع بیش از ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ۷۰ میلیونی کشور، بی‌سواد و کم‌سواد بوده‌اند. استان کردستان که در رتبه دوم این نماگر کشوری قرار دارد، بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۲۸۶ هزار بی‌سواد مطلق و ۲۶۲ هزار نفر کم‌سواد در کردستان وجود دارد (سالنامه آماری استان کردستان، ۱۳۹۲: فصل ۱۶).

با مقایسه ارقام سال ۹۰ و ۹۲ می‌توان به این امر توجه کرد که فارغ از افزایش جمعیت و مهاجرت، نرخ بی‌سوادی در استان کردستان به‌ویژه در میان بزرگسالان افزایش یافته است آمارهای بالا نشان از این است که نظام آموزش بزرگسالان در کشور به‌طور کل و استان‌های محروم مثل استان کردستان با چالش‌ها جدی روبه‌روست و هنوز هم باید مسئله بی‌سوادی بزرگسالان را جزء مسائل کلان کشور حساب کرد؛ چراکه هرچند تلاش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است اما تا به امروز آن موفقیت قابل توجه حاصل نشده است. همچنین شاخص توسعه انسانی^۱ در استان کردستان از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. سید مرتضی افقه و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «برآورد شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی با استفاده از منطق فازی» شاخص توسعه انسانی (بدون نفت) را با تکیه بر روش جدید سازمان ملل محاسبه کرده‌اند. مطابق نتایج حاصله بعد از سیستان و بلوچستان استان‌های کردستان، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان پایین‌ترین شاخص توسعه انسانی را در بین استان‌های کشور دارند (افقه و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۹).

¹ HDI.

۴. ارتباط زمینه‌های تهدید کننده امنیتی-سیاسی با شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی

الف) مدیریت مسائل اجتماعی و فرهنگی در استان کردستان

درواقع با وجود اینکه در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آموزش عمومی زبان‌های منطقه‌ای و محلی تأکید شده است اما در عمل این حق مسلم شهروندان مورد بی‌توجهی قرار گرفته و تاکنون اقدامی عملی و کاربردی برای حل این مسئله انجام نگرفته است و این قسمت از قانون اساسی همچنان معطل و مغفول باقی مانده است. در کنار این مسئله می‌توان به اخذ مجوز برای برقراری رشته زبان کردی در مقطع لیسانس در دانشگاه کردستان اشاره کرد که همچنان بلا تکلیف بوده و تاکنون با بهانه و توجیحات متعدد، این وعده نیز عملی نگردیده است. این در حالی است که زبان مادری به‌عنوان مؤلفه‌ای اساسی در حفظ هویت، و به دنبال آن برقراری آرامش روانی فرد قلمداد می‌گردد. درواقع، بدون آشنایی با رسم الخط و قواعد دستوری یک‌زبان و آموزش کلاسیک آن از دوران ابتدایی نمی‌توان از یک مجموعه تعریف شده انسانی انتظار آشنایی با فرهنگ، ادبیات و تاریخ دیرینه‌شان را داشت.

چنین مجموعه‌ای به‌مرور زمان در خطر تضعیف و در نهایت اضمحلال قرار خواهند گرفت؛ چنانچه تحقیقات میدانی نیز بیانگر آن است که یکی از عوامل اصلی افت تحصیلی و کاهش انگیزه ادامه تحصیل در کودکان مناطق دوزبانه، اجبار به شروع آموزش با زبانی غیر از زبان مادری بوده است (قادرزاده، ۱۳۹۵: ۵۳). بر همین اساس بی‌توجهی و یا کم‌توجهی نهادهای سیاسی به بحث آموزش به زبان محلی و بومی در مدارس و دانشگاه‌های مختلف در سراسر کشور و خصوصاً منطقه کردستان ماحصلی به‌جز منفعل شدن کردها و ایجاد شکاف و فاصله با دولت مرکزی نخواهد داشت و در نتیجه همین رویه اشتباه است که امروزه شاهد شکل‌گیری نسلی از جوانان هستیم که شناخت عمیق و آگاهانه‌ای از فرهنگ، زبان، و تاریخ بومی خود ندارند و از خواندن و نوشتن به زبان مادری خود محروم هستند. بدیهی است که نتیجه یک چنین امری نه تنها به همبستگی ملی نمی‌انجامد بلکه در درازمدت از انسجام هویت ایرانی خواهد کاست چراکه هویت ایرانی چیزی نیست جز برآیند هویت‌های قومی موجود در ایران که در

صورت تضعیف هرکدام از اجزای آن مانند کرد، ترک، لر، عرب و بلوچ، نهایتاً ضربه مهلکی بر پیکره تمدن ایرانی وارد خواهد شد.

ب) توسعه سیاسی و امنیت

از جنبه سیاسی اکثر کردها خواهان واگذاری مسئولیت‌های سیاسی مانند استانداری و فرمانداری به قوم کرد می‌باشند (عبدالرحمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۷-۱۱۶). نهادهای جمهوری اسلامی عموماً از مزایای سهیم کردن کردها در تقسیم قدرت غفلت ورزیده‌اند و این نگاه تبعیض‌آمیز منجر به گرایش فزاینده به رسانه‌های غربی، آنلاین، و فضاهای مجازی شده است. در این راستا پیشنهاد می‌شود با سعه صدر، مقدمات امکان ورود بخش خصوصی به این رسانه‌ها فراهم شود و برای هریک از احزاب سیاسی امکان داشتن رسانه‌های مختلف مهیا شود که در صورت فراهم شدن امکان چنین دسترسی‌ای، زمینه رقابت سالم ایجاد خواهد شد و اعتماد عمومی به رسانه‌های ملی نیز بازگردانده می‌شود.

مقوله پراهمیت امنیت، از جمله ریشه‌ای‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای بشر است که از دیرباز تا به امروز و در اشکال و موضوعات مختلف مورد توجه بشر قرار گرفته است. در واقع، مفهوم امنیت را می‌توان اولین عاملی دانست که موجبات شکل‌گیری اجتماعات انسانی را فراهم می‌آورد و به دنبال آن تقسیم‌کار و بر عهده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی نیز پدیدار می‌شود. می‌توان گفت که توسعه و پیشرفت بشری در گرو بهره‌مندی شهروندان جامعه از امنیت است. باین وجود، گرچه مقوله امنیت امری بسیار مهم تلقی می‌شود، اما بسیاری از نظریه‌پردازان بر این عقیده هستند که احساس امنیت مهم‌تر از وجود امنیت است. در واقع، احساس امنیت بدین معناست که شهروندان به نوعی از لحاظ روانی، میزانی از عدم و یا وجود امنیت در آن جامعه را احساس کنند. در یک نگاه کلی امنیت در ابعاد شخصی، گروهی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره تقسیم‌پذیر است (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۲۳). بر همین اساس امنیت را می‌توان به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تقسیم کرد که در اینجا بعد سیاسی آن مدنظر است. امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و تضمین

حقوق سیاسی شهروندان از طریق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آنها می‌باشد. نهادهای سیاسی یک جامعه برای دخالت دادن مردم در امور سیاسی و اجتماعی و به تعبیری حق تعیین سرنوشتشان باید امنیت را برای همه شهروندان تأمین و امکان حضور بدون مانع و تبعیض را برای همگان فراهم آورد و هیچ‌کدام از شهروندان جامعه را به قبول و یا رد یک باور خاص مجبور نکند. در واقع امنیت سیاسی به این معناست که یک سیستم و نهاد سیاسی در کشور وجود داشته باشد که در سایه آن مردم بتوانند آزادانه و بدون هیچ اجباری باورها، اعتقادات و مناسک خود را هرچند در خلاف باور نهادهای سیاسی جامعه باشد بیان کنند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۸).

یک برنامه توسعه را زمانی می‌توان تأثیرگذار و کارآمد دانست که در همه ابعاد گفته‌شده (سیاسی، اقتصادی، شخصی و غیره) برقرار باشد. در یک چنین جامعه‌ای نهادها و عوامل اقتصادی می‌توانند فعالیت‌های خود را روبه‌جلو سوق داده و زمینه‌های رشد و توسعه در آن جامعه را فراهم آورند. بر همین اساس است که امنیت و توسعه را می‌توان دوروی یک سکه قلمداد کرد؛ هرچه در یک جامعه ضریب امنیت بالا باشد، طبیعتاً فرآیند توسعه نیز شتاب خواهد گرفت و هرچه میزان ناامنی بیشتر باشد سرعت توسعه نیز رو به‌کندی می‌رود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۳۰).

به‌طورکلی جمهوری اسلامی نسبت به آزادی فعالیت‌های سیاسی در کردستان و افزایش مشارکت سیاسی و حضور نخبگان سیاسی کرد در مناصب مدیریتی و حاکمیتی در اداره کشور توجه چندانی از خود نشان نداده است و این را می‌توان در نگاه سیاسی و امنیتی به کردستان و کردها دانست. وقایع رخ‌داده در اوایل انقلاب که موجب برخورد نظامی با نیروها و شهروندان کرد جدایی طلب گردید باعث شده که تا به امروز که بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد، همچنان یک نگاه سیاسی و امنیتی بر استان کردستان حاکم باشد و فعالیت‌ها و تحرکات سیاسی را با همان صبغه امنیتی گذشته و تسری دادن تجربه تاریخی به امروز دنبال نماید. از سوی دیگر علیرغم وجود شایستگان فراوان و هزاران تحصیل‌کرده کرد، به‌جز رده‌های مدیر کلی ادارات غیرکلیدی و آن‌هم فقط در استان کردستان از کردها در اداره امور کشور استفاده نمی‌شود. ممانعت از ورود کردها به پست‌ها و مناصب فرماندهی و ستادی در نیروهای انتظامی، عدم فعالیت آنان

در نهادهای امنیتی و پلیسی، عدم حضور کردها در شوراهای و مجامع انتصابی کشور، محدودیت انتشار مطبوعات کردی، برخورد با مطبوعات موجود و اجبار به سانسور همه و همه نشان از یک بی‌اعتمادی در نگاه دولت ایران دارد (صفوی، ۱۳۹۰: ۴۳).

در حالیکه شهروندان استان کردستان در هر بازه زمانی که به نحوی احساس تعلق به کشور در آن‌ها پررنگ شده است و فضای سیاسی کشور رو به بهبودی رفته و حق شهروندی کردها رعایت شده است، بیش از میانگین کشوری به مشارکت سیاسی روی آورده‌اند که نمونه بارز آن را می‌توان شرکت هشتاد درصدی در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری مشاهده کرد. اما در دوره‌های بعدی انتخابات ریاست جمهوری مشاهده می‌شود که استان کردستان جزء آخرین استان‌های کشور از نظر مشارکت در انتخابات بوده است. برای مثال در انتخابات ریاست جمهوری دور سیزدهم استان کردستان پس از استان تهران کم‌ترین میزان مشارکت را در انتخابات داشته است (ایرنا، ۱۴۰۰). توسعه کردستان و رهایی آن از وضعیت‌های وخیم اقتصادی اجتماعی و زیست‌محیطی نیازمند برنامه‌ریزی‌های کارشناسانه دقیق و بین‌رشته‌ای، تخصیص بودجه و اعتبارات ملی و استانی به اندازه کافی، اصلاح جدی و تقویت وضعیت مدیریتی-دیوانسالاری کردستان (معطوف به شایسته‌سالاری و بومی‌گزینی) و تقویت نهادهای مدنی است تا کردستان نیز در مسیر توسعه پایدار گام بردارد و از ایجاد نارضایتی‌های عمومی بیشتر جلوگیری شود. بروکراسی زائد اداری یکی از موانع فراروی سرمایه‌گذاری در استان است. بیشتر سرمایه‌گذاران از اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری در استان به دلیل نقص در نظام تدبیر از سرمایه‌گذاری باز می‌مانند. عدم اختصاص بودجه و اعتبارات کافی برای این منطقه یکی دیگر از عوامل مهم اقتصادی است که باید به آن اشاره کرد. مشکل اشتغال و بیکاری در کردستان مسئولیت و مأموریت کارکنان ادارات را مضاعف‌تر کرده است چون مشکل اشتغال استان تنها با توسعه امکان‌پذیر است و توسعه نیز نیازمند بودجه فراوان است. البته ناگفته نماند که در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱، بودجه استان کردستان با رشد ۵۴.۷ درصدی مواجه شده است که این میزان رشد نسبت به استان‌های همجوارمانند همدان و آذربایجان غربی بیشتر است (سلطانی، ۱۴۰۰).

۵. ارتباط زمینه‌های تهدید امنیتی-سیاسی با سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در بخش‌های مختلف اقتصادی استان کردستان

الف) بخش کشاورزی

بحث کشاورزی یکی از پراهمیت‌ترین مباحث اقتصادی برای هر کشور محسوب می‌شود. این بخش می‌تواند از طریق ایجاد اشتغال، تولید مواد خام برای کارخانه‌ها و صنایع مصرفی، تولید مایحتاج مردم و تأمین ارز برای کشور بسیار کاربردی باشد. بر همین اساس است که بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه بر این عقیده هستند که بخش کشاورزی اولین پیش‌شرط توسعه برای اقتصاد یک کشور است. در ایران و در استان‌هایی نظیر استان کردستان، اهمیت بخش کشاورزی به مراتب بیشتر و گسترده‌تر است؛ چراکه در این استان اولاً جمعیت روستایی بالاست و دوماً میزان شاغلان در بخش‌های کشاورزی نسبت به سایر استان‌های کشور بیشتر است. علاوه بر این، سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی استان نزدیک به دو برابر این سهم در کشور و سهم درآمدهای حاصل از فعالیت‌های کشاورزی در درآمد خانوارهای روستایی قابل توجه است. چنانچه بخش کشاورزی به دلایلی (از جمله عدم توجه کافی به این بخش) توانایی لازم جهت انجام وظایف خود در فرایند توسعه را نداشته باشد، کل اقتصاد استان با مشکل مواجه خواهد شد. هم‌جواری با ۴ استان و نزدیکی به بازار مصرف عمده و مرزهای صادراتی کشور برای بسط تقاضا، وجود تنوع آب و هوایی در استان از معتدل تا سرد و خشک و امکان تولید متنوع محصولات زراعی و باغی، وجود پتانسیل‌های مناسب آب، عزم و بستر ایجاد شده برای توسعه سیستم‌های نوین آبیاری در بخش کشاورزی و ۲۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق و امکان صادرات محصول از مهم‌ترین عوامل بیرونی هستند که کشاورزی استان را دارای مزیت می‌سازد (قدسی و تکیه خواه، ۱۳۹۹: ۶۵) توانمندی و قدمت دام و دامداری و محصولات وابسته، نژادهای دامی خاص استان (بز، مرغ، گوسفند، اسب کردی و ...)، دارای ژرم پلاسم گیاهی بسیار غنی با بیش از ۲۱۰۰ گونه غیر زراعی، وجود کارشناسان، مدیران و کشاورزان مجرب در بخش کشاورزی استان، قابلیت‌های اکو توریستی (دریاچه زریوار، کوهستان‌های شاهو، چهل چشمه، منطقه اورامان و ...)، تنوع محصولات

کشاورزی (زراعی، باغی و دامی)، تولید علوفه موردنیاز زیر بخش دام در اراضی کشاورزی و منابع طبیعی، وجود تشکلهای کشاورزی کارشناسی در سطح استان (سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و شرکتهای خدمات توسعه کشاورزی)، وجود پایگاههای اطلاعاتی مناسب و تولید مازاد بر نیاز استان در اغلب محصولات و صدور فرآوردههای کشاورزی از ویژگیهای مهم درونی هستند که استان کردستان و شهر سنندج را به لحاظ کشاورزی متمایز می‌کند. اقتصاد کشاورزی شاهرگ حیاتی استان کردستان است و بخشهای صنعت و خدمات این استان به فعالیت در بخش کشاورزی وابستگی زیادی دارد. بخش کشاورزی در کردستان مجموعه‌ای از پتانسیل‌های طبیعی، زیرساخت‌های عمرانی، سازوکارهای پشتیبانی و سیاست‌گذاری‌های برخاسته از رسوم اجتماعی، فرهنگی کشاورزان و تولیدکنندگان این منطقه است. میزان ارزش‌افزوده بخش کشاورزی استان کردستان معادل ۳/۲۰ درصد از ارزش‌افزوده تولید ناخالص داخلی استان است که خود نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه کشاورزی استان است. البته ما بر این باوریم که کشاورزی استان رو به رشد است و کشاورزی استان از قالب سنتی محض خارج شده است. هم‌اکنون از ۵۰ هزار تن توت‌فرنگی تولیدی در کشور بالغ بر ۴۰ هزار تن در کردستان تولید می‌شود که به علت کیفیت بالایی به یک برند در کشور تبدیل شده است. با توجه به نتایج انجام‌شده از محصولات کشاورزی افتخار ما در استان کردستان این است که بیش از ۹۰ درصد محصولات استان از نظر سلامت و امنیت غذایی منطبق بر استانداردهای تعیین شده است و محصول سالم را به بازار عرضه می‌کنیم (نظم فر و امان‌الله پور، ۱۳۹۵: ۸۶).

یکی از مهم‌ترین اهداف نهادگرایی توزیع متناسب امکانات و خدمات است اما در استان کردستان در همین بخش کشاورزی عدم توزیع مناسب امکانات به خوبی دیده می‌شود. به‌طورکلی از مهم‌ترین علل اصلی وجود نابرابری فضایی و در نتیجه عدم توسعه‌یافتگی در بخش کشاورزی در سطح استان، شکل‌گیری نوعی نظام مرکز-پیرامون با مرکزیت سنندج، عدم توزیع بهینه امکانات با توجه به جمعیت هر یک از شهرستان‌های استان و همچنین تقسیمات نامناسب سیاسی اداری است. استان کردستان به‌واسطه موقعیت استراتژیک و اهمیتی که از نظر ملی و فراملی دارد، وجود منابع طبیعی غنی و آب فراوان

و جاذبه‌های گردشگری قابل‌اعتنا، می‌تواند سهم قابل‌توجهی از تولید ملی را به خود اختصاص دهد و از این طریق کردستان و مردمانش از یکسو شاهد رونق و رفاه اقتصادی و توسعه باشند و از سوی دیگر سهم خود را در پیشرفت، توسعه و آبادانی کشور ادا کند، اما این مهم به دلایل مختلف امنیتی- سیاسی و مدیریتی تاکنون تحقق نیافته است. از نرخ بالای بیکاری و طلاق و حاشیه‌نشینی تا میزان پایین درآمد سرانه و توسعه انسانی و سرمایه اجتماعی، از کشاورزی دیمی آسیب رساننده و کم بازده تا بحران آبی و خشک‌سالی، از زیرساخت‌های حمل‌ونقلی بسیار ضعیف تا صنعتی که بسیار خرد و ابتدایی و ناچیز است، همگی سهم کردستان از رویکردهای غلط مدیریتی- سیاسی هستند که بیش از چهار دهه نسبت به این استان اعمال شده است.

ب) بخش اشتغال استان

هرچند طبق نظر کارشناسان ایرانی مرزهای ایران و عراق جزو مرزهای تهدید استراتژیک محسوب می‌شوند، اما به نظر مرزهای ایران با اقلیم کردستان عراق، بیشتر با خصوصیات طبقه مرزهای تهدید موضعی سنخیت و همخوانی دارد. در این مرز باوجوداینکه امکان وقوع جنگ تمام‌عیار در جدار مرزها به دلایل گوناگون، مانند تفاهم‌های تاریخی و غیره صفر است اما در مقیاس محدود، محلی و موضعی، ناامن است؛ درواقع مرز تهدید موضعی، مرزی است که فضای حاکم بر آن به دلیل تردد غیرقانونی مردم، کالا، عبور کاروان‌ها یا محموله‌های مواد مخدر، تردد مستمر اشرار و گروهک‌های معاند و معارض و ... ناامن است، باین‌وجود دو دولت هم‌جوار مایل به رویارویی قهری با یکدیگر برای حل و فصل آن‌ها نیستند. شرایط ویژه جغرافیایی از جمله دور بودن و در حاشیه بودن مناطق مرزی از هسته‌های سیاسی و اقتصادی دولت‌ها، همبستگی‌ها و همگنی‌های قومی، فرهنگی و مذهبی جمعیت در دو سمت مرز، تفاوت شدید قیمت کالاها در دو کشور، عملکرد ناچیز مبادلات تجاری رسمی، نوع، میزان و تفاوت اختیارات مأموران محلی در دو سوی مرز و تفاوتی که در نگاه دولت‌ها به این نوع مرز وجود دارد از جمله عوامل اصلی ایجاد تهدیدات موضعی هستند (کریمی پور و کامران، ۱۳۸۰: ۵۶۶).

معضل قاچاق کالا و مشروبات الکلی هرچند در شهرهای مرزی استان، به‌عنوان مبادی ورودی استان رخ می‌دهد اما سایر شهرهای استان به درجات مختلف در آن درگیر هستند، این امر منشأ چالش‌ها و آسیب‌هایی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به‌تبع آن سیاسی بوده که در برهه‌های خاص زمانی در حد تهدیدی علیه امنیت ملی مطرح شده‌اند. هرچند حجم قاچاق کالا در کردستان به‌تنهایی نمی‌تواند تهدیدی علیه امنیت ملی محسوب شود اما در نظر گرفتن استان به‌عنوان یکی از قطب‌های قاچاق کالای کشور و حجم ۲۰ میلیارد دلاری سالانه قاچاق کالا در کشور، حدود ۱۵ تا ۲۰ درصدی فعالیت‌های اقتصادی را به خود اختصاص داده است و می‌توان گفت این به‌نوبه خود موجب اهمیت و طرح موضوع قاچاق کالا در زمره تهدیدات امنیتی می‌شود و این مهم وقتی آشکارتر می‌شود که بدانیم؛ بر اساس سخنان محمدصادق مفتاح قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت، قاچاق کالا سالانه ۲۰۰ هزار فرصت شغلی را از بین برده و یک هزار و هشتصد میلیارد تومان نیز فرار مالیاتی را در طول سال به همراه خواهد داشت (پول نیوز، ۱۳۹۲). قاچاق کالا در این حجم وسیع علاوه بر اینکه موجب ایجاد بی‌نظمی در فعالیت‌ها و کسب و کارهای اقتصادی سالم را ایجاد می‌کند، موجب تضعیف تجارت قانونی شده و واحدهای صنعتی داخلی را رو به ورشکستگی می‌کشانند. دخیل شدن سرمایه هنگفت در امر خرید و فروش کالای قاچاق، هزینه سرسام‌آور مادی و معنوی مبارزه با آن، صرف بودجه و اتلاف وقت، و روی آوردن قشر قابل‌ملاحظه‌ای از جمعیت کشور به این‌گونه فعالیت‌ها، از دیگر معضلاتی است که به‌شدت اقتصاد ملی را تحت تأثیر قرار داده و با فراهم کردن موجبات ورشکستگی صنایع و کارخانه‌های تولیدی مشابه داخلی، عدم تأدیه حقوق دولتی و کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران در فعالیت‌های سالم اقتصادی، بیکاری میلیون‌ها نفر را رقم زده است که تهدیدی جدی علیه امنیت ملی در ابعاد اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود.

شکاف‌های توسعه‌ای و انطباق بی‌سابقه آن با شکاف‌ها در منطقه زمینه‌ساز برای تکوین ناآرامی و بحران در کردستان مهیا می‌سازد. آنچه تا حدی می‌تواند به تشدید و تعمیق این تهدیدات منجر شود نگرش سنتی به این تهدیدات و تأکید صرف بر روش‌های سنتی تأمین امنیت در عصر حاضر است. از آن جا که تهدیدات و جرائم

مرزی ابعاد و ماهیتی متفاوت پیدا کرده‌اند، مواجهه بان‌ها از طریق روش‌های سنتی می‌تواند موجبات ناامنی و تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی بیشتر برای ایران شود. به عبارت دیگر سیاست کشور در برخورد با این تهدیدات عمدتاً با بهره‌گیری از ابزار سخت مانند تقویت و تجهیز پاسگاه‌های مرزی به مدرن‌ترین ادوات نظامی و انسداد مرزی با حفر خندق و دیوار بوده است. هرچند که از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطحی پایین به‌عنوان مکمل بهره گرفته شده است اما تداوم و حتی تشدید برخی جرائم مرزی در مرزهای استان حاکی از کافی نبودن و عدم کارایی سیاست‌های اعمالی در از بین بردن جرائم مرزی مذکور بوده است.

با توجه به نقش توسعه‌نیافتگی در شکل‌گیری و تعمیق این تهدیدات امنیتی در کنار همبستگی مثبت و مستقیم بین توسعه و امنیت، راه ارتقای امنیت از مسیر توسعه می‌گذرد و اقدامات سخت افزاری به عنوان ابزاری مکمل باید در کنار توسعه استان به کار گرفته شوند. در این راستا مرزی بودن استان و محدودیت در بهره‌برداری از منابع داخلی توسعه و ریشه‌های فرامرزی ناامنی مرزی، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را به ضرورتی انکارناپذیر در این مسیر تبدیل نموده است که این خود مستلزم ابزار دیپلماسی است. ولی اقدام به این امر از طریق دیپلماسی سنتی یعنی دستگاه وزارت خارجه به دلیل حجم بالای کاری و عدم شناخت جامع نیازهای استانی، نه تنها غیرممکن است، بلکه منجر به از دست دادن فرصت‌های بین‌المللی توسعه و به تبع آن کاهش امنیت نیز خواهد شد.

بنابراین از نظر پژوهش حاضر؛ بازیگران دولتی و غیردولتی محلی و استانی در قالب دیپلماسی استانی و در کنار دیپلماسی رسمی حکومت مرکزی قادر به رفع کاستی‌های دیپلماسی سنتی و رسمی در ارتقای امنیت مرزی کردستان خواهند بود و این امر از طریق گسترش همکاری‌های اقتصادی، صنعتی و تجاری در وهله اول با مناطق کردنشین در کشورهای هم‌جوار و در مراحل بعد با سایر سازمان‌ها، نهادها و کشورهای است که می‌توانند بر توسعه نیافتگی به عنوان ستون اصلی ناامنی در کردستان غلبه نمایند و با توسعه و تعمیق ارتباطات اقتصادی و فرهنگی موجبات تسری این همکاری به حوزه سیاست والا که همان مسائل سیاسی و امنیتی است را فراهم آورند و با همکاری‌های

سیاسی و امنیتی با اقلیم ریشه‌های برون‌مرزی ناامنی را به حداقل برسانند. بنابراین اتخاذ دیپلماسی استانی هوشمند و هدفمند، گسترش تجارت خارجی و دستیابی به بازار جهانی می‌تواند موجبات توسعه استان را فراهم نمایند. شواهد آماری موجود بیان می‌کنند که در استان‌های کردنشین کشور، حجم بیکاری بالاست و به دنبال آن شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نیز وضعیت چندان مناسبی ندارند (زارع شاه آبادی و محمدی، ۱۴۰۰). کولبری به عنوان مصداق فقر و محرومیت اقتصادی و اجتماعی است. کولبر به عنوان فردی فقیر، محروم و رنجور از اجتماع تعریف شده که با شرایط زندگی سختی دست و پنجه نرم می‌کند. درآمد ناکافی، دستمزد پایین، مقطعی و فصلی بودن کار کولبری، عدم تأمین نیازهای اساسی، زندگی بخور و نمیر و تلاش برای به دست آوردن حداقل درآمد از ویژگی‌های بارز زندگی کولبران است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳).

کالاهایی که کولبران حمل می‌کنند، عمدتاً شامل اجناسی نظیر تلویزیون، کولر، بخاری، سیگار، نفت، لاستیک خودرو، پوشاک و منسوجات، لوازم‌آرایی و بهداشتی و لوازم خانه است؛ اغلب کولبران، مرد و از اقشار کم‌درآمد جامعه هستند هرچند در بعضی از مناطق، زنان نیز دوشادوش مردان خود کولری می‌کنند. بازه سنی کولران از ۱۳ تا ۶۰ سالگی است و می‌توان نوجوانانی را در میان آنان مشاهده کرد که برای کمک به معیشت خانواده یا ادامه تحصیل به این کار روی آورده‌اند. اغلب کولبران از سطح سواد پایین برخوردار هستند؛ باین وجود در میان آنان افراد تحصیل کرده با مدرک کارشناسی ارشد که در آزمون دکتری کشوری نیز رتبه کسب کرده نیز دیده می‌شود (مرادیان، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۸). وجود بیکاری گسترده و فقر را می‌توان مهم‌ترین دلیل رواج کولبری در کردستان دانست؛ زیرا خطرات کولبری و برخورد مأموران مرزی با کولبران، آن اندازه هزینه زاست که افراد جز به دلیل تنگدستی به آن روی نیاورده‌اند. نبود زیرساخت اقتصادی، عدم سرمایه‌گذاری، عدم وجود برنامه‌های درازمدت در راستای ایجاد اشتغال پایدار و وجود نگرش امنیتی نسبت به مناطق مرزی غرب کشور، از دلایل دیگر گسترش پدیده کولبری است. از طرف دیگر می‌توان به عامل دسترسی به خدمات بهداشتی اشاره کرد. در واقع، در مناطق مرزی به دلیل دوری از مرکز و فقر اقتصادی، وضعیت خدمات

بهداشتی همچون بیمارستان نامناسب است. از یک سو با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی افراد شاغل در این حوزه و از طرف دیگر هزینه‌بر بودن درمان و سلامت در ایران به‌ویژه برای مناطق محروم و مرزی، دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی یکی از مهم‌ترین اولویت‌های توسعه این مناطق است که مستقیماً بر پایداری پدیده کولبری تأثیر می‌گذارد. از این رو با توجه به سطح بالای نرخ زادوولد و نیز فقدان امکانات بهداشتی و درمانی و با توجه به این مسئله که تأمین هزینه‌های بهداشتی جزو ملزومات اصلی زندگی به‌ویژه در نواحی روستایی مناطق مرزی است، این امر افراد را به سمت تأمین هزینه‌ها از طریق کولبری ترغیب می‌کند، زیرا تنها شغل در دسترس برای تأمین هزینه‌های بهداشتی و درمانی است (جان پرور و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۵۱).

بازیگران سیاسی برای حرکت به سمت بهبود اوضاع باید به بازآفرینی و باز ساخت سیاست‌ها و راهبردهای موجود در مناطق مرزی مبادرت نمایند. نتیجه ادامه استراتژی‌های موجود نسبت به مناطق مرزی ادامه فقر، بیکاری و گسترش ناامنی خواهد بود. التزام به قوانین تا وقتی از نظر اخلاقی مشروعیت دارد که از رهگذر این التزام، حقوق اولیه و ابتدایی شهروندان نقض نشود. قوانین موجود در مورد کولبران و نحوه تردد آن‌ها در طول مرزها نیز از این قاعده مستثنا نبوده و با توجه به مشکلاتی که برای شهروندان مرزی به وجود می‌آورد و فضا را به حالتی نیمه بحرانی می‌کشانند موجب عدم رعایت قوانین می‌شود. به بیانی دیگر، وضعیت موجود در مناطق مرزی، به‌ویژه در روستاهای مرزی استان در حالتی نیمه بحرانی است و با کمترین مسئله وارد مرحله کاملاً بحرانی خواهد شد. لازمه عدم ورود به مرحله بحرانی‌تر، تغییر قوانین و ساختارهای سیاسی موجود در ارتباط با مناطق مرزی و به‌نوعی اصلاح ساختار و قوانین مربوطه است. نحوه مواجهه و بازخورد سیاست‌ها در میان شهروندان مناطق مرزی در چند دهه گذشته نشان داده که سیاست‌ها و رویه‌های موجود از کارایی مناسبی برخوردار نیست.

بنا بر نظریه رویکرد نهادی، ارتقای رهبری در سطح محلی و منطقه‌ای یک گام اساسی و مهم برای مدیریت توسعه است و بر همین اساس، توسعه از لحاظ منطقه‌ای را به‌عنوان فرایندی تمرکززدایی - شده و مبتنی بر همکاری عمودی و افقی بین لایه‌های مختلف

حکومت و همکاری افقی بین بخش‌های خصوصی و عمومی تعریف می‌کند. همچنین همکاری و تشریک‌مساعی عوامل و بازیگران محلی باهم، پتانسیل و قدرت چانه‌زنی منطقه را در ارتباط با عوامل سطوح بالاتر مشخص کرده و بر تعدیل چارچوب‌ها، قوانین و مقررات ملی متناسب با شرایط محلی تأثیر می‌گذارد.

۶. ارائه پیشنهاداتی در راستای رهنمون شدن استان کردستان به سمت توسعه با در نظر گرفتن چارچوب نهادگرایی جدید

با در نظر گرفتن چارچوب نهادگرایی جدید در این بخش به ارائه پیشنهاداتی پرداخته می‌شود که امید است در صورت کاربستان‌ها این استان بتواند به سمت توسعه و پیشرفت حرکت کند.

الف) مبادرت نهادهای حاکمیتی به ایجاد پروژه‌های توسعه‌ای

برخی از صاحب‌نظران توسعه، عقب‌ماندگی عمدی یا غیرعمدی مناطق مختلف کشور را یا به شرایط درونی این مناطق نسبت می‌دهند و یا به سیاست‌گذاری‌های کلان و نابرابری‌های ملی. درهرحال بایدید خوش‌بینانه و نگاه‌های جدید توسعه می‌توان گفت بکر بودن مناطقی مثل استان کردستان زمینه اجرای واحدهای بزرگ توسعه‌ای را با هزینه کمتر فراهم می‌کند. به نظر با توجه به عدم اشباع طرح‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای در استان کردستان از یکسو و ظرفیت‌های مناسب سرمایه‌گذاری در استان از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در این نوع پروژه‌ها برای سرمایه‌گذاران از جذابیت کافی برخوردار باشد. برای مثال تسهیل و تسریع دادن مجوز به شرکت‌های تولیدی و خدماتی می‌تواند با استفاده از ظرفیت جوانان استان، شرایط را برای حرکت کردستان به سوی توسعه هموارتر نماید.

ب) جلوگیری از خام‌فروشی معادن

بخش معدن یکی از ظرفیت‌های ویژه استان کردستان است. ۱۸ گونه مواد معدنی شامل سنگ آهن، کانی‌های غیرفلزی و انواع کریستال، چینی، گرانیت و طلا در این استان وجود دارد (ایرنا، ۱۴۰۱). عدم ایجاد واحدهای فرآوری سنگ‌های معدنی سبب شده است محصولات معدنی استان کردستان به صورت خام در اختیار استان‌های دیگر قرار گیرد و با ارزش افزوده چندین برابری دوباره به استان فروخته شود. صنایع تبدیلی قدرتمندی در استان برای پوشش و جلوگیری از خام‌فروشی و هدر رفتن این منابع

وجود ندارد. به عبارت دیگر به دلیل ضعف ظرفیت‌های صنعتی، بخش عمده این معادن به صورت خام از استان خارج می‌شود که جلوگیری از این امر در وهله اول به سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت‌های بزرگ وابسته به دولت و همچنین ایجاد تسهیلات و مشوق‌های لازم برای جذب سرمایه‌های بخش خصوصی نیاز دارد. متأسفانه کارگاه‌های تولیدی بزرگی که اشتغال‌زایی معناداری به دنبال داشته باشند در استان وجود ندارد و تعداد زیادی از کارگاه‌های موجود نیز با مشکلات مالی، مالیاتی و حقوقی مواجه هستند. برخورداری از تسهیلات بزرگ و مؤثر که خارج از حوزه اختیارات استان است و همچنین ارائه مشوق‌های انگیزه ساز برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی می‌باشند که با پیگیری مداوم مدیران اجرایی و نمایندگان استان در مجلس می‌تواند به عبور از این وضعیت کمک نمایند.

۱۳۱



آسیب‌شناسی
سیاسی - امنیتی
استان کردستان از
منظر نهادگرایی
جدید

ج) تشویق و ایجاد انگیزه در سرمایه‌گذاران بومی برای ایجاد اشتغال و توسعه بخش کشاورزی

در استان کردستان زیرساخت‌های لازم در بخش‌های مختلف برای افزایش بازدهی فراهم نیست. این امر نیازمند جذب سرمایه‌گذار است تا بخش‌های صنعت و تولید بتوانند از رکود خارج شوند. عمده بنگاه‌های موجود کوچک و متوسط استان در مقایسه با هم‌تایان خود در استان‌های دیگر، با ضعف مالی و سیستم مضاعف انقباضی بانک‌ها و فشار خارج از عرف متصدیان مالیاتی روبه‌رو هستند. این دلایل و همچنین عدم حمایت دولت و فشارهای روانی و رسانه‌ای سبب شده است که سرمایه‌گذاران انگیزه و توانایی حضور مستمر و رقابت در بازار را نداشته باشند و در مقابل کوچک‌ترین تنش‌های اقتصادی و شوک‌های بازار از آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به سایر مناطق رنج ببرند. بخش کشاورزی محور اصلی توسعه استان تلقی شده و بر اساس مطالعات صورت گرفته، این بخش در صدر برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و استانی بوده و دلیل آن وجود منابع آب و خاک حاصلخیز و قرار گرفتن استان بر سرشاخه ۵ حوزه آبریز مهم کشور و متوسط بارندگی ۷۵۰ میلی‌متر و همچنین مراتع و تنوع گونه‌های گیاهی و بخش قابل توجهی جنگل و حدود ۱۷۰۰ روستا به‌عنوان محل زندگی و تولید بخش روستایی است؛ به طوری که این گرایش و استعداد، استان را در سطح کشور در تولید برخی از محصولات، ممتاز و

قابل توجه کرده است. از جمله کسب رتبه اول تا پنجم در تولید گندم دیم و کسب مقام چهارم تولید گوشت مرغ با بیش از ۷۷۰ واحد مرغداری صنعتی؛ همچنین رتبه اول در تولید توت‌فرنگی و شاغل بودن ۲۹ درصد از شاغلان استان در بخش کشاورزی و تولید میوه فراوان ناشی از باغداری دیم. با این وجود، تخلیه روستاها، عدم حمایت دولت، نبود صنایع تبدیلی و فراوری محصولات کشاورزی موجب پسرفت کشاورزی در استان کردستان شده است. لذا، اجرای طرح‌های کشاورزی باغداری و دامداری، بهترین پتانسیل را برای ایجاد اشتغال پایدار در این مناطق داشته و اگر دولت بتواند در این زمینه سرمایه‌گذاری کند، مردم نیازی به کولبری نخواهند داشت (مرادیان، ۱۳۹۶: ۲۴).

چ) ایجاد سازه‌های ارتباطی و گسترش آنتن دهی در مناطق دور دست استان کردستان

ارتباط با شهرها و نواحی بزرگ، امکان فروش محصولات روستایی را برای روستائینان کردستانی فراهم می‌کند. باید توجه داشت که راه زیرساخت توسعه است. اگر امکان اتصال زمینی و ریلی روستاها و مناطق مرزی به مراکز استان و کشور فراهم نباشد، هر دو طرف زیان می‌بینند. نبود آنتن‌ها و دکل‌های مخابراتی در مناطق دوردست کردستان یکی از دلایل تأخیر در انجام پروژه‌های ارتباطی است. به این ترتیب، ارتباط فرهنگی و امکان دسترسی به اخبار، برنامه‌ها و فضای مجازی برای مردم این مناطق از بین می‌رود و سرمایه‌گذار هم حاضر نیست در منطقه‌ای که تلفن، اینترنت و تلویزیون وجود ندارد، وارد فعالیت اقتصادی شود.

ح) کاهش نگاه امنیتی-نظامی به استان

نگاه امنیتی به یک منطقه، ذاتی نیست. به این معنا که نظام سیاسی و مردم یک کشور در طول زمان و بر اثر اتفاقات مختلف، احساس می‌کنند که یک منطقه امنیت ندارد. اگرچه این نگاه به کردستان، در طول زمان، ناشی از فعالیت شبه‌نظامیان و احزاب سیاسی مخالف انقلاب جمهوری اسلامی ایران بوده است و در نتیجه تداوم این نوع نگاه امنیتی، توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی استان به حالت تعلیق درآمده است یا در بهترین حالت با اهنگی بسیار کند در حال صورت گرفتن است. نگاه امنیتی و نظامی در این استان باید با نگاه انتظامی جایگزین شود. بارها این استان نشان داده است که وقتی به آن

بها داده می‌شود با دولت مرکزی و سیاست‌های کلان نظام همسو می‌شود و این امر به نوبه خود مقوم امنیت ملی می‌باشد.

خ) توجه به بازارچه‌های مرزی و ایجاد منطقه آزاد تجاری

یکی دیگر از راهکارها، ایجاد بازارچه‌های مرزی است. بازارچه مرزی محوطه‌ای است محصور واقع در نقطه صفر مرزی که طبق تفاهم‌نامه‌های منعقد شده با کشورهای هم‌جوار، اهالی دو طرف مرز می‌توانند کالاها و محصولات مورد نیاز را با رعایت ضوابط مقرر برای داد و ستد در این بازارچه‌ها عرضه کنند. این بازارچه‌ها می‌توانند به ساماندهی و تقویت نظارت بر مبادلات تجاری، شفاف‌سازی جریان کالا و جلوگیری از بروز فساد و توسعه تجارت رسمی در مناطق مرزی، بهبود وضعیت اقتصادی مرزنشینان و ارتقاء امنیت در این مناطق کمک کنند (مرادیان، ۱۳۹۶: ۲۴). این در حالی است که مسیر دسترسی به بازارچه‌های استان مثل بازارچه سیف سقز، سیران بند بانه، باشماخ مریوان به‌طور کلی در سالیان اخیر مورد توجه جدی مدیران اقتصادی کردستان و بازرگانان قرار نگرفته است. لذا عملاً این بازارچه‌ها بدون استفاده مفید رها شده‌اند. در صورت فعالیت کامل و استفاده صحیح از آن‌ها، افزایش صادرات و نیز گردش ثروت بین ایران و کشورهای همسایه نقش مهمی در توسعه و رفاه مردم منطقه ایفا خواهد کرد. در راستای کاهش فشار اقتصادی در منطقه، بر اساس برخی مطالعات مقدماتی، آغاز به کار منطقه آزاد تجاری می‌تواند باعث ایجاد ۴۵ هزار فرصت شغلی شود. اگر بتوان برای کولبران شغل ثابت با درآمد ماهیانه ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان فراهم کرد، اغلب آنان دست از این کار خواهند کشید. ایجاد منطقه آزاد سبب حضور بخش خصوصی در این مناطق شده و کسب‌وکار را در آنجا رونق خواهد داد. لذا مسئولان باید سرعت بیشتری به اجرای این طرح دهند (مرادیان، ۱۳۹۶: ۲۴).

د) توسعه و ایجاد نهادهای مربوط به صنعت گردشگری و پیاده سازی مؤلفه‌های

حکمرانی خوب

بر اساس آمار و اطلاعات منتشر شده، از هر ۱۱ شغل در دنیا، یک شغل متعلق به صنعت گردشگری است. همچنین آمارها حکایت از درآمد چهار تریلیون دلاری کشورهای مختلف از این تجارت دارند که هر یک سهم خود را به فراخور فعالیت‌ها و برنامه‌های

خود در راستای توسعه گردشگری گرفته‌اند. این در حالی است که کل درآمد حاصل از صنعت گردشگری در کشور ما در خوش‌بینانه‌ترین حالت فقط چهار میلیارد دلار بوده که البته سهم استان‌های کردنشین (کرمانشاه، کردستان، ایلام و آذربایجان غربی) از این درآمد و مشاغل گردشگری نامعلوم است. بر اساس شواهد و به‌رغم داشتن ظرفیت‌های بالای گردشگری و وجود صدها جاذبه و منابع طبیعی منحصر به فرد، آثار ارزشمند فرهنگی، تاریخی، باستانی و ... که برخی از آن‌ها در میراث جهانی یونسکو نیز به ثبت جهانی رسیده‌اند، سهم مردم این مناطق از صنعت گردشگری بسیار اندک بوده است. تجربیات داخلی و جهانی نشان می‌دهند که کم‌سرمایه‌ترین مشاغل و زودبازده‌ترین آن‌ها مشاغل گردشگری هستند که می‌توانند جایگزینی مناسب برای مشاغل کاذبی همچون کولبری باشند. لذا پیشنهاد می‌شود دولت با حمایت جدی از این بخش، چشم‌انداز روشنی برای اهالی این مناطق ترسیم نموده و از بروز حوادث ناگوار جلوگیری کند. در راستای پیاده‌سازی مؤلفه‌های حکمرانی خوب می‌توان به افزایش نظارت و کنترل بر عملکرد نهادها در خدمت‌رسانی به مردم استان و جلوگیری از شکل‌گیری جریان‌های شبکه‌ای ناسالم و ناکارآمد در ادارات استان، تأکید بر مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها برای فراهم کردن زمینه فعالیت‌های مدنی و فعالیت گروه‌های داوطلبانه، ایجاد بسترها برای کاهش نقش دولت و به دنبال آن فراهم آوردن زمینه‌ها برای نقش‌آفرینی هر چه بیشتر بخش خصوصی اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

مقاله با تمرکز بر رویکرد نهادگرایی جدید در ابتدا وضعیت شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی در استان کردستان را با تمرکز بر وضعیت حاشیه‌نشینی، بهداشت و سلامت، سواد، آموزش و توسعه انسانی در مقایسه با استان‌های همجوار بررسی نمود و مشخص شد علیرغم ظرفیت‌های استان کردستان، این استان دارای شرایط مطلوبی در این شاخص‌های نمی‌باشد. سپس در بخش بعدی با عنوان ارتباط زمینه‌های تهدیدکننده امنیتی-سیاسی با شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی به بررسی کیفیت مدیریت مسائل اجتماعی و فرهنگی استان کردستان و بررسی مطالبات سیاسی کردهای استان پرداخته

شد و مشخص گردید که مدیریت مسائل اجتماعی و فرهنگی در سطح نازل می‌باشد. در بخش مطالبات سیاسی نیز کردها خواهان به رسمیت شناخته شدن و مشارکت دهی بیشتر آنان در مناصب حکومتی می‌باشد. امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و تضمین حقوق سیاسی شهروندان از طریق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آنها می‌باشد. کردها نشان داده‌اند که هر وقت که جمهوری اسلامی به آنها بیشتر رسیدگی می‌کند، مشارکت سیاسی آنها نیز بالا می‌رود و این امر به نوبه خود یکی از مقومات امنیت ملی جمهوری اسلامی می‌باشد. در بخش بعدی به ارتباط زمینه‌های تهدید امنیتی-سیاسی با سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در بخش‌های مختلف اقتصادی استان کردستان پرداخته شد و مشخص گردید این استان علیرغم ظرفیت‌های ممتاز در بخش کشاورزی همچنان به دلیل نرسیدن دولت و نهادها به آن با حداکثر ظرفیت خود فاصله قابل توجهی دارد. مهم‌ترین چالش‌ها و مشکلات کشاورزان در کردستان عبارت‌اند از: تغییرات متعدد در قوانین و مقررات مؤثر بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کشاورزی و ضعف در سیاست‌های حمایتی بخش، محدودیت منابع مالی دولتی، مشکلات فینانس و تسهیلات برای اجرای طرح‌های توسعه منابع آب و خاک استان، گرایش به تغییر کاربری اراضی حاصلخیز استان و عدم هماهنگی در اجرای قوانین بازدارنده، ضعف در زیرساخت‌های تنظیم بازار محصولات کشاورزی و نوسانات چشمگیر قیمتی، بالا بودن میزان ضایعات کشاورزی و غیره. بخش اشتغال استان نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه است که منجر به روی آوردن شهروندان به شغل‌های کاذبی مانند قاچاق کالا و کولبری شده است که به نوبه خود بر انسجام و امنیت ملی دارای تأثیرات مخرب هستند. تمامی مشکلات فوق را می‌توان ناشی از عدم توجه به نظریه رویکرد نهادگرایی جدید و وضعیت دسترسی محدود در این استان دانست. لذا در این راستا و با توجه به ظرفیت‌های بالقوه استان کردستان پیشنهاداتی در جهت بهبود وضعیت استان و حرکتان به سوی توسعه ارائه شد که عبارت‌اند از: مبادرت نهادهای حاکمیتی به ایجاد مگا پروژه‌های توسعه‌ای، جلوگیری از خام‌فروشی معادن، تشویق و ایجاد انگیزه در سرمایه‌گذاران بومی برای ایجاد اشتغال و توسعه بخش

کشاورزی، ایجاد سازه‌های ارتباطی و گسترش آنتن دهی در مناطق دوردست استان، کاهش نگاه امنیتی-نظامی به استان، توجه به بازارچه‌های مرزی و ایجاد منطقه آزاد تجاری، توسعه و ایجاد نهادهای مربوط به صنعت گردشگری و پیاده سازی مؤلفه‌های حکمرانی خوب. در مجموعان چه در این مقاله تبیین شد گوشه‌ای از کارنامه نظم دسترسی محدود کنونی استان بود و با پیشنهادهای که ارائه گردید و حرکت به سمت نظم دسترسی باز به نظر از مسئله سیاسی و امنیتی این استان به میزان قابل توجهی کاسته شود.

منابع

- احمدی، یعقوب و آقایی، مریم. (۱۳۹۶). مطالعه جامعه شناختی اثر نظام ارزشی و ساختار قدرت در خانواده بر انحرافات اجتماعی (مورد مطالعه: سکونت گاه‌های حاشیه‌ای شهری نایسر سندج). *مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)*، ۷(۲۴)، ۳۰-۱.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۵). امنیت و راهکارهای تأمین آن در اندیشه محقق سبزواری. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱(۴)، ۱۶۵-۱۴۴.
- افقه، سید مرتضی، آهنگری، عبدالمجید، عسکری پور، حسین. (۱۳۹۹). برآورد شاخص توسعه انسانی استان‌های ایران و بررسی تأثیر آن بر رشد اقتصادی با استفاده از منطق فازی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری*، ۱۷(۲)، ۸۹-۱۲۱. [JQE.2019.29152.2064](https://doi.org/10.29130/JQE.2019.29152.2064)
- بهرامی، رحمت اله. (۱۳۹۴). تحلیلی بر میزان توسعه یافتگی بخش بهداشتی و درمانی شهرستان‌های استان کردستان با استفاده از روش تاپسیس خطی. *اطلاعات جغرافیایی*، ۲۴(۹۶)، ۳۹-۴۹.
- بهرامی پاوه، رحمت. (۱۳۹۷). تحلیلی بر روند پارادایم توسعه یافتگی و تأثیر آن بر همگرایی ملی در ایران. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۶(۲۳)، ۴۹۷-۴۷۸. [doi: 10.32598/JMSP.6.3.478](https://doi.org/10.32598/JMSP.6.3.478)
- جان پرور، محسن، بهرامی جاف، ساجد، صالح آبادی، ریحانه، مازندرانی، دریا. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر استمرار کولبری در روستاهای مرزی پاوه با رویکرد سناریو نگاری، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۳(۳)، ۱۱۴۲-۱۱۲۱. <https://dx.doi.org/10.22059/jhgr.2020.303831.1008130>
- رضانی باصری، عباس و میرفردی، اصغر. (۱۳۹۳). تبیین نهادگرایی و گرایش آن به توسعه، *مجله اقتصادی*، ۱۴(۳ و ۴)، ۱۳۸-۱۲۱.
- زارع شاه آبادی، اکبر و محمدی، آرزو. (۱۴۰۰). درک و فهم پدیده کولبری در شهرستان بانه. *جامعه شناسی کاربردی*، ۳۲(۱)، ۱۵۴-۱۳۵. [doi: 10.22108/jas.2020.120921.1851](https://doi.org/10.22108/jas.2020.120921.1851)

سردارنیا، خلیل الله. (۱۳۸۸). اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب. *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۲۵۹ و ۲۶۰، ۱۳۲-۱۴۵.

صفوی، سید یحیی و پورعباس، علی. (۱۳۹۰). عوامل و ریشه‌های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: کردستان). *پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)*، ۲(۲)، ۱۹۴-۲۰۷.

عبدالرحمانی، رضا، کیانی، جواد، شاهمیرزایی، اصغر. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر مطالبات قوم کرد بر امنیت عمومی استان کردستان. *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، ۶(۲۴)، ۱۰۷-۱۳۲.

عسکری پورلاهیجی، حسین و عطوفت شمسی، رضا. (۱۳۹۶). محاسبه و بررسی شاخص‌های توسعه در استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۸۵، ۹۰ و ۹۵. *مجله توانمند سازی سرمایه انسانی*، ۲(۴)، ۳۴۵-۳۳۱.

قادر زاده، امید و شفیعی نیا، عباس. (۱۳۹۵). زمینه‌ها و گونه‌های ناسیونالیسم قومی در ایران: مطالعه موردی مناطق کردنشین. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۳(۷۴)، ۳۶-۶۹. doi:

10.22054/qjss.2017.7212

کاویانی، مراد. (۱۳۸۹). ناحیه گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی. تهران: ایران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی

قدسی، فرانک و تکیه خواه، جاهده، ۱۳۹۹، بررسی شاخص‌های اجتماعی فرهنگی در مناطق مرزی در راستای توسعه پایدار (مطالعه موردی شهرستان‌های مرزی استان کردستان)، همایش علمی پژوهشی مرز، مناسبات اجتماعی و توسعه فرهنگی،

سندرج، <https://civilica.com/doc/1170349>

کریمی پور، یداله و کامران، حسن. (۱۳۸۰). نگاهی نو به طبقه بندی استراتژیک مرزها (با تأکید بر مرزهای ایران). *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)*، ۴۸(۱۶۰)، ۵۶۸-۵۵۵.

مالشویچ، سینشا. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی قومیت. ترجمه پیروز دلیر پور، تهران: ایران: نشر آمه.

محمدی، حیدر، موسوی جد، سید محمد، صالحی، سیرا، سلماسی، سمانه. (۱۴۰۰). اشتغال پایدار شهرهای مرزی؛ تحلیل علل و پیامدهای کولبری در شهر بانه. *توسعه پایدار محیط جغرافیایی*،

doi: 10.52547/sdge.3.5. ۳۵-۱۸، (۵)۳

مرادیان، محسن. (۱۳۹۶). پدیده کولبری: زمینه‌ها و پیامدها، *دیپدبان امنیت ملی*، شماره ۶۶، ۱۷-۲۴.

می‌دری، احمد. (۱۳۸۳). تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب. *دو فصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۵(۵)، ۹۳-۱۱۸.

ناظمی اردکانی، محمد. (۱۳۸۷). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی. *مجله مصباح*، ۷۶، ۱۰۷-۱۲۸.

نظم فر، حسین و امان اله پور، انور. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل توسعه‌یافتگی و نابرابری‌های فضایی بخش کشاورزی استان کردستان طی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۹۵. *جغرافیا و پایداری محیط*. ۶(۳): ۶۹-۸۷. یزدان فام، محمود. (۱۳۸۸). دولت‌های شکننده و امنیت انسانی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۲(۴۶)، ۳۶-۵.

نورث، داگلاس؛ والاس، ژان جوزفو وینگاست، باری. آر. (۱۳۸۵). چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری، ترجمه: جعفر خیرخواهان، اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه، شماره ۳. صص ۱۵۱-۹۲.

- Friedland.R. and Alford.R. R. (1991). "Brining Society Back In: Symbols , Practices and Institutional Contradictions." In Powell.W. W. and DiMaggio.P. (eds.) *The New Institutionalism in Organizational Analysis*. Chicago: The University of Chicago Press: 232-263.
- Giordano, B. (2001), Institutional thickness, political sub-culture and the resurgence of (the new) regionalism in Italy –a case study of the northern League in the province of Varese, *Transactions of Institute of British Geographers, New Series, Vol.26, No. I*.
- Jespersion.R. L. (1991). "Institutions, Institutional Effects and Institutionalization" In Powell.W. and DiMaggio.P. (eds.) *The New Institutionalism in Organizational Analysis*. Chicago: The University of Chicago Press: 143-163.
- Kawachi, I, Subramanian, S.V& Almeida-Filho, N(2002): A glossary for health inequalities. *Journal of epidemiology and community health*,56(9),647-652.
- March, James G. & Johan P. Olsen (2005) *Elaborating the New Institutionalism*", in: *The Oxford Handbook of Political Institutions*, Edited by Sarah A. Binder, R. A. W. Rhodes, and Bert A. Rockman.
- North, Douglass C. (1990). *Institution, institutional change, and economic performance*. New York: Cambridge University Press.
- pike, A., Rodriguez-pose, A., and Tomaney, J. (2006), *Local And Regional Development*, Routledge.
- Rodriguez-pose, a. (2009), *Do Institutions Matter For Regional Development*, Available at <http://Personal.Ise. Ac. UK/PODRIGUI>.
- Wimmer, Andreas & Cederman, Lars-Erik. (2009). "Ethnic Politics and Armed Conflict", *American Sociological Review*, Vol.74, No.2, pp316-337.
- Yalcin, Demet. (1999). *Exploring path to Peace with Democratic Institutions*, Ph. D Dissertation, State University of New York. (1999).1
- Zucker.L. G. (1991). "The Role of Institutionalization in Cultural Persistence" In Powell و W. W. and DiMaggio.P. (eds.) *The New Institutionalism in*

Organizational Analysis. Chicago: The University of Chicago Press: 83-106.

استانداری کردستان (۱۸/۰۴/۱۴۰۰). «سالنامه آماری استان کردستان در سال ۱۳۹۲»، تاریخ استخراج:

<http://ostan-kd.ir/%d8%b3%d8%a7%d9%84-1392>، ۲۳/۰۳/۱۴۰۱

سلامت نیوز (۲۴/۰۲/۱۳۹۷). «۱۹ میلیون نفر تعداد حاشیه نشینان ایران»، تاریخ استخراج: ۲۵/۰۵/۱۴۰۱،

<https://www.salamatnews.com/news/243854/19>

حسین زاده، حسن (۱۶/۱۱/۱۳۹۹). «اتمام طرح‌های بازآفرینی کردستان ۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار لازم

دارد»، تاریخ استخراج: ۲۵/۰۵/۱۴۰۱، <https://www.irna.ir/news/84241729>،

سلطانی، پرینان (۱۷/۱۰/۱۴۰۰). «سهم استان‌ها از بودجه ۱۴۰۱»، تاریخ استخراج: ۲۶/۰۵/۱۴۰۱،

<https://newspaper.hamshahrionline.ir/id/149301>

ایرنا (۳۱/۰۳/۱۴۰۰). «میزان مشارکت در سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان‌ها»،

تاریخ استخراج: ۲۶/۰۵/۱۴۰۱، <https://www.irna.ir/photo/84377476>،

ایسنا (۲۴/۰۵/۱۳۹۵). «کردستان دارنده رتبه دوم بی سواد در کشور»، تاریخ استخراج: ۲۶/۰۵/۱۴۰۱،

<https://www.isna.ir/news/95050115178>

ایرنا (۱۷/۰۴/۱۴۰۱). ظرفیت‌هایی که در کردستان چشم انتظار سرمایه گذاری هستند»، تاریخ استخراج:

<https://www.irna.ir/news/84815185>، ۲۶/۰۵/۱۴۰۱

پول نیوز (۱۸/۰۴/۱۳۹۲). «از بین رفتن ۲۰۰ هزار فرصت شغلی در سال به خاطر قاچاق»، تاریخ استخراج:

۲۶/۰۵/۱۴۰۱

<https://www.poolnews.ir/fa/news/86835/>

۱۳۹

پژوهش‌های میان‌رشته‌ای
روابط بین‌الملل

آسیب‌شناسی
سیاسی - امنیتی
استان کردستان از
منظر نهادگرایی
جدید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی